

پژوهش‌های زبانی و ادبیات کاربردی، دانشگاه ولایت ایرانشهر
دو فصل‌نامه تخصصی، سال نخست، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۳۱-۳۸

آفرینش نخستین مردمان بنابر آموزه‌های متون فارسی میانه

محمود جعفری دهقی*

چکیده

موضوع نخستین انسان و چگونگی آفرینش آن همواره از مباحث فکری ملل و اقوام مختلف بوده و در باورها و اساطیر آنان بازتاب گسترده داشته است. در اساطیر ایرانی اگرچه گزارش‌های گوناگونی در طول تاریخ چند هزارساله آن مطرح شده اما در غالب متون فارسی میانه زردشتی این نسبت را به کیومرث داده‌اند. گاه چهره‌های دیگری نظیر منو، جم و جمیگ، مشی و مشیانه، هوشنگ و تهمورث نیز در این باره پیشنهاد شده‌اند. بررسی گزارش‌های فارسی میانه زردشتی که معمولاً برگرفته از کتاب/اوستا و سنت دین زردشتی است و کتابت آنها غالباً متعلق به اواخر عهد ساسانی و اوایل دوران اسلامی است، کیومرث را به عنوان نخستین انسان معرفی کرده و مشی و مشیانه را از نطفه کیومرث دانسته‌اند. این موضوع در مروری به متون مزبور نشان می‌دهد که متفکرین و اسطوره‌پردازان ایرانی در اواخر عصر ساسانی درباره نخستین انسان و خاستگاه آن هم‌دادستان شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: آفرینش، فارسی میانه، اسطوره، بندهش، روایت پهلوی.

mdehaghi@ut.ac.ir

* استاد زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

۱. مقدمه

دربارهٔ آفرینش نخستین انسان گزارش‌های متفاوتی در اساطیر ایران آمده است. برخی متعلق به اساطیر هندواروپایی‌اند مانند «منو» که در نام «منوچهر» جای دارد و پاره‌ای مربوط به اسطوره‌های هندوایرانی‌اند مانند «جم» و خواهرش «جمیگ». برخی دیگر نیز احتمالاً برگرفته از اسطورهٔ غول نخستین‌اند مانند «گیومرث». بنابراین اسطوره که در میان بابلیان، ملل اسکانندیناوی، هندیان و ژاپنی‌ها نیز رواج دارد، جهان و موجودات آن از اندام غولی ایجاد شده و سپس آن غول به وسیلهٔ خداوند کشته شده است. شاید همین اسطورهٔ غول نخستین در آیین تازهٔ زردشت به «زندگی میرا» و نام گیومرث تحول یافته باشد و بدین‌سان آثاری از این اسطوره در داستان گیومرث نیز مشاهده می‌شود. اگرچه برخلاف غول نخستین که از سوی ایزد کشته می‌شود، گیومرث به وسیلهٔ اهریمن به قتل می‌رسد.

هوشنگ و تهمورث نیز احتمالاً زمانی نزد ایرانیان به عنوان نخستین انسان به شمار می‌رفته‌اند اما به مرور زمان این مقام را از دست داده و به عنوان نخستین شاهان پیشدادی به شمار رفته‌اند (کریستن‌سن، سیزده). بنابر اساطیر زردشتی، اورمزد در آغاز سه هزارهٔ دوم، آنگاه که اهریمن در ناتوانی و بیهوشی به سر می‌برد، به آفرینش گیتی می‌پردازد و از جمله پس از آسمان، آب، زمین، گیاه و چهارپا، گیومرث را به عنوان پیش‌نمونهٔ انسان به مدت هفتاد روز می‌آفریند. اما پس از آنکه اهریمن در پایان سه هزارهٔ دوم یورش خود را به جهان اورمزد می‌آغازد، با ورود به جهان روشنی، آن را می‌آلاید و از جمله برای نابودی گیومرث، استویهاد یا همان دیو مرگ را خلق می‌کند. سرانجام پس از سی سال گیومرث درگذشت و از اندام او هشت نوع فلز در زمین به وجود آمد. نطفهٔ گیومرث در هنگام مرگ بر زمین ریخت و با روشنی خورشید تصفیه و پاک شد و با همکاری نریوسنگ و سپندارمذ در زمین نگهداری شد تا نخستین انسان از آن به وجود آید.

۲. بحث

نگاهی به متون فارسی میانه اشکال گوناگون گزارش آفرینش نخستین انسان را باز می‌نماید:

الف. گزارش بندهش

مفصل‌ترین و جامع‌ترین گزارش‌ها دربارهٔ آفرینش انسان در بندهش آمده است:

بندهش یکی از مهم‌ترین متون دینی - تاریخی ایران عصر ساسانی است، به خط و زبان پهلوی. این اثر عمدتاً دربارهٔ کیهان‌شناسی، با فصولی در تاریخ کیانیان و جغرافیای ایرانشهر، بر پایهٔ متون اوستایی و گزارش‌های پهلوی و منابع تاریخی، به خصوص خدای‌نامه، در ۳۶ فصل است که مؤلف در دیباچهٔ کتاب آنها را به سه بخش اصلی و کلی تقسیم کرده است:

(۱) آفرینش اورمزد و دشمنی اهریمن؛ (۲) چگونگی آفرینش مادی و این جهانی از آغاز تا انجام؛ (۳) تاریخ و پیوند کیانیان و زیستگاه‌های آنان. به گمان هنینگ، این کتاب در پایان دورهٔ ساسانی نوشته شده

و فصل‌های پایانی آن (۳۰-۳۴)، چنانکه بیشتر دانشمندان هم بر همین عقیده‌اند، از افزوده‌های زمان عباسیان است (۲۲۹-۴۸۰). سرآغاز کتاب هم، آنجا که از آمدن تازیان به بدی یاد می‌کند، بایستی از افزوده‌های همین زمان باشد. نام مؤلف اصلی آن دانسته نیست ولی نام مدون نهایی آن را در فصل مربوط به تبارنامه موبدان، به احتمال، فرنیغ دادگی یا دادویه (دات - ویه یا دادگ) خوانده‌اند (بندهش، ترجمه بهار، ص ۶؛ تفضلی، ص ۱۴۱؛ تاوادی، ص ۹۴). نخستین بار ادوارد وست (ج ۲، ص ۹۰-۹۱) فهرستی از متون پهلوی و هم از سنگنوشته‌های پهلوی را، گردآورد که بندهش، یکی از آنهاست. وست آن را کمابیش دارای سیزده هزار واژه می‌داند. البته این برآورد درباره بندهش کوچک یا بندهش هندی است. صفت «هندی» یا «کوچک» هنگامی بدان افزوده شد که دو دستنویس کامل از این نامه (بندهش) از ایران به هندوستان رسید. ترجمه فارسی این اثر از سوی مهرداد بهار انجام یافته است. فصلی از این کتاب به آفرینش مردمان اختصاص یافته که بیانگر باور ایرانیان به چگونگی این آفرینش است:

«به دین گوید که من مردمان را ده گونه فراز آفریدم: نخست آن کیومرث روشن و سپید چشم است... دهم کیی است که فروترین مردمان خوانده می‌شود. چون کیومرث را بیماری برآمد، بر دست چپ افتاد. از سر سرب، از خون ارزیز و از مغز سیم، از پای آهن، از استخوان روی و از پیه آبگینه و از بازو پولاد، از جان رفتنی زر به پیدایی آمد که اکنون، به سبب ارزشمندی مردمان با جان بدهند. از آن (انگشت) کوچک مرگ به تن کیومرث در شد و همه آفریدگان را تا فرشکرد مرگ برآید. چون کیومرث به هنگام درگذشت تخمه بداد، آن تخمه‌ها به روشنی خورشید پالوده شد و دوبهر آن را نریوسنگ نگاه داشت و بهری را سپندارمذ پذیرفت. چهل سال آن تخمه‌ها در زمین بود. با به سر رسیدن چهل سال، ریواس تنی یک ستون، پانزده برگ، مهلی و مهلیانه از زمین رستند... میان هر دو ایشان فره برآمد. آنگونه هم‌بالا بودند که پیدا نبود که کدام نر و کدام ماده (است). چنین گوید که پرسید: "کدام پیشتر آفریده شد، فره یا تن؟" هرمزد گفت که فره پیشتر آفریده شد و تن، سپس برای آن آفریده شده است... سپس، هردو از گیاه‌پیکری به مردم‌پیکری گشتند...» (فرنیغ دادگی، ص ۸۰).

بندهش در جای دیگری مربوط به مراتب آفرینش آسمان و آب و زمین و گیاه و چهارپا گزارش می‌دهد که: "ششم، کیومرث را آفرید روشن چون خورشید. او را به اندازه چهارنای بالا بود. پهنای چون بالا، راست بر بار رود دائیتی که در میانه جهان ایستد... کیومرث دارای چشم، دارای گوش، دارای زبان و دارای دخشک بود... او کیومرث را با گاو از زمین آفرید. او از روشنی و سبزی آسمان نطفه مردمان و گاو را فراز داد زیرا این دو نطفه را که آتش تخمه‌اند نه آب تخمه، در تن گاو و گیومرث بداد تا افزایش یافتن مردمان و گوسفندان از آن باشد (فرنیغ دادگی، ص ۴۰ و ۴۱).

ب. گزارش روایت پهلوی

روایت پهلوی، کتابی به زبان پهلوی، نوشته شده بر اساس متون زند است. مؤلف این اثر، ناشناخته، و زمان نگارش آن نیز نامعلوم است. این کتاب احتمالاً همانند بسیاری از متون فارسی میانه، در سده ۳ ق/ ۹ م گردآوری و تدوین شده است.

مطالب این کتاب را می‌توان به طور کلی به پنج دسته تقسیم کرد: ۱- متون دینی - آیینی ۲- متون اجتماعی ۳- پندارها و باورهای عامیانه ۴- اسطوره‌ها ۵- مطالب اخلاقی. بخش بزرگی از مطالب این کتاب به آیین‌های دینی، باورهای مربوط به آن و مبحث گناه و ثواب اختصاص دارد. در واقع آیین‌های دینی و جزئیات برگزاری آنها و همچنین، اعمالی که سبب گناه یا ثواب می‌شوند، نظیر تماس با نسا و جسد درگذشتگان، بیشترین مطالب کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. موضوع مهم دیگر در این کتاب، ذکر روایات اساطیری، مانند اسطوره آفرینش و رستاخیز، اسطوره گرشاسب، جم، کیخسرو و زردشت است. بنابر اسطوره آفرینش تمامی هستی از اخگر آتش و روشنی بی‌کران که به مثابه ابزار (= ماده) هستی است، آفریده شده است (ص ۳۰۴-۳۰۸). سرنوشت روان پس از مرگ، اسطوره رستاخیز و فرشگرد، آمدن نجات‌بخشان (هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانت) و شمار فرشگردکرداران، در فصل‌های ۲۳، ۲۵، ۴۸ و ۵۴ آمده است. بخش‌هایی از اسطوره زندگی زردشت و دین‌آوری گشتاسب (ص ۳۰۹-۳۱۳)، همچنین، داستان درخواست زردشت از اورمزد برای بی‌مرگ‌شدن و دستیابی او به خرد همه‌آگاه اورمزدی (ص ۲۹۳-۲۹۲) از دیگر اساطیری است که در روایت پهلوی دیده می‌شود. افزون بر مطالعات و تصحیحات نخستین این اثر که از سوی موبدان پارسی در هند صورت گرفته و نیز ترجمه انگلیسی آن از سوی وست در مجموعه متون مقدس مشرق زمین، ترجمه کامل این اثر همراه با حرف‌نویسی، آوانویسی، ترجمه و توضیحات در دو مجلد از سوی ویلیامز انجام یافته است. این اثر را میرفخرایی نیز در پژوهشگاه علوم انسانی به فارسی ترجمه کرده است. بخشی از فصل ۴۶ این اثر به موضوع آفرینش نخستین انسان پرداخته است:

- 46.36.** u-š mardōm az ān. gil. kē-š Gayōmard aziš kerd pad šusr ēwēnag andar ō Spandarmad *hī*
 ud Gayōmard az Spandarmad bē brēhēnīd ud zād čiyōn. Mahlīy ud Mahliyānīy rust hēnd 3000 sāl nē rawēnīd
 ka Ahrimen andar dwārist 30 sāl. būd tā hamē. raft u-š (māh). Frawardīn ud rōz. Ohrmazd. bē. ōzad. šusr. ī Gayōmard bē ō zamīg mad 40. sāl pad šusrīh andar zamīg estād
- 46.37.** pas Mahlīy. ud Mahliyānīy az. zamīg rēbās-kerb bē rust hēnd. ā kū ēdōn čiyōn. rēbās ka. abar. āyēd. ā-š warg
 pad tan frāz estād awēšān-iz' dast. pad. gōš abāz estād Rōšn guft kū 9 māh rēbās-kerb būd hēnd
- 46.38.** ud pas bē ō. mardōm-kerbīh wašt hēnd ud az awēšān 6 pus ud 6. duxt bē zād hēnd ud būd ī zīst. ud. būd. ī. murd

hēnd ud pas hamāg mardōm.az.awēšān.bē.būd.hēnd.

۴۶. ۳۶ و مردم را از آن گِل که کیومرث از آن ساخت به شکل نطفه اندر سپندارم (= زمین) نهاد. و کیومرث از سپندارم آفریده و زاده شد. چون مهلی و مهلیانه رستند ۳۰۰۰ سال حرکت داده نشدند. آنگاه که اهریمن هجوم آورد سی سال بود که حرکت می‌کرد (= زندگی می‌کرد). ماه فروردین روز اورمزد کشته شدند. نطفه کیومرث به زمین آمد و چهل سال به صورت نطفه در زمین ماند.

۴۶. ۳۷ پس مهلی و مهلیانه از زمین به صورت ریواس رستند. آنگاه همچون ریواسی که چون برآید برگ‌هایش به تن فراز ایستاد (اشاره به فرزندان آنها). ایشان همچنین دست بر گوش باز ایستادند. روشن گفت که نه ماه — ریواس پیکر بودند.

۴۶. ۳۸ سپس آدمی پیکر شدند و از ایشان شش پسر و شش دختر زاده شدند و برخی زیستند و برخی مردند و آنگاه همه مردم از ایشان به‌وجود آمدند.

ج. گزارش دادستان دینی

دادستان دینی، کتابی است به زبان پهلوی، که در حدود سده ۳ ق / ۹ م نوشته شده است. نام کتاب، *دادستان دینی*، به معنی «آراء دینی» یا «احکام دینی» است. این کتاب شامل یک مقدمه و ۹۲ پرسشی است که مهرخورشید — پسر آذرماه — و بهدینان دیگر از منوچهر — پسر جوان جم پسر شاپور — موبد بزرگ زردشتیان ایران پرسیده‌اند، و او بدانها پاسخ داده است. بنابر مقدمه کتاب، هنگام نوشتن پاسخ این پرسش‌ها، منوچهر در شیراز زندگی می‌کرده است. خانواده منوچهر از خانواده‌های بلندمرتبه موبدان زردشتی در سده ۳ ق / ۹ م، و خود وی نیز موبد بزرگ فارس و کرمان بوده است. در کتاب *دادستان دینی*، موضوعات متنوعی درباره آیین‌های دینی، مطالب فقهی و حقوقی، آفرینش و رستاخیز، و جز آن مطرح شده است. پرسش‌های این کتاب با موضوع مرد پرهیزکار آغاز می‌شود: سپس در پرسش‌های ۲ و ۳ به ارزش و اهمیت چنین انسانی پرداخته می‌شود. پرسش‌های ۴ و ۵ درباره آزارهایی است که به جامعه مزدیسنان می‌رسد، و اینکه داوری آنها چیست و به چه سبب به نیکان بیش از بدان آسیب و سختی می‌رسد؟ پرسش ۶، درباره سبب آفرینش انسان در جهان مادی، و کارهایی است که او باید انجام دهد. برخی دیگر از پرسش‌های ۹۲ گانه این متن به شرح زیر است:

کرفه و مسایل آن، مراسم مربوط به درگذشتگان، خیرات، برگزاری آیین‌های دینی، پل چینود، چگاد دائیتی و مسیر گذر پرهیزکاران و گناهکاران به جهان دیگر چگونه است؟ سرنوشت روان پس از مرگ؛ چگونگی بهشت و دوزخ، آیا روان، اورمزد و اهریمن را می‌بیند؟ چگاد دائیتی و مسیر گذر پرهیزکاران و گناهکاران به جهان دیگر چگونه است؟ روان پرهیزکار چگونه به بهشت، و روان گناهکار چگونه به دوزخ می‌رود؟ چه کسی به دیدار روان پرهیزکار و چه کسی به دیدار روان گناهکار می‌آید، و روان پرهیزکار را چه کسی به حضور اورمزد هدایت می‌کند؟ رستاخیز چگونه و به چه شکلی است و چه کسانی و چگونه

فرشگرد را فراهم می‌کنند؟ دربارهٔ دلیل پوشیدن سدره (= پیراهن دینی) و بستن کُستی (= کمربند دینی) و کرفهٔ آن است؛ دربارهٔ کسانی است که مؤمن به دین مزدیسنا باقی می‌مانند، و یا کسانی که به دین دیگری می‌گروند. وظیفهٔ هیبرد و شاگرد او، تغییر شغل موبدان، جایگاه ایشان در مراسم میزد (= نذورات آیینی)، و پرداخت دستمزد آنها برای اجرای آیین‌های دینی، آیین یزش، هدف و زمان برگزاری آن و همچنین تأثیر آن در نابودی نیروهای شر؛ دربارهٔ حکم کسانی است که غلات را اختکار می‌کنند، می به غیرایرانیان و غیرزردشتیان می‌فروشند و بی‌اندازه آن را می‌نوشند، و در معامله بدقولی می‌کنند و با غیرزردشتیان تجارت می‌کنند. دربارهٔ قوانین ارث نزد زردشتیان، دربارهٔ ستوری و قیمومت؛ پرسش‌های ۶۳ و ۶۴ دربارهٔ منشأ انسان و چگونگی آفرینش او از کیومرث، و به وجود آمدن مشی و مشیانه، و پرسش‌هایی دربارهٔ چیستی و چگونگی رنگین‌کمان، تغییرات ماه، خسوف و کسوف، و زمین‌لرزه؛ نقش و تأثیر بخت از یک سو، و عمل انسان از سوی دیگر است و اینکه از هر یک از این دو (بخت و عمل) چه چیزهایی به انسان می‌رسد، و تأثیر ماه در سرنوشت و عمل انسان چیست؟ گناه لواط؛ گناه زنا؛ گناه آشامیدن آب بدون خواندن دعای شکرگزاری؛ دربارهٔ ساخت آسمان و چگونگی قرارگرفتن آن، دربارهٔ بزرگ‌ترین آنها و رودخانه‌ها و جایگاه رود اساطیری آردویسور، دربارهٔ تیشتر (ستارهٔ باران)، چگونگی رسیدن آنها به آن و بارش باران (نک. تفضلی، ۱۳۹۳: ۱۵۰). فصل ۶۳/دست‌ان دینی به موضوع نخستین مردمان پرداخته است. در اینجا آوانویسی و ترجمه و توضیحات این فصل ارائه می‌شود.

Pursišn 63

- (63.1) 63-om pursišn ud pāsox ān ī pursēd kū fradom dahišn ī mardōmīh az cē kard, bun-tōhmag ī mardōmān ciyōn-iz būd?
- (63-2) az Gayōmart kē be āmad <ud> cē be būd, Mašyāyīh ud Mašyānīh az kē be būd hēnd?
- (63.3) pāsox ēd kū ohrmazd ī wisp-xwadāy az ān ī a-sar rōšnīh brēhēnīd āsrō-kirpa kē-š dām ān ī ohrmazd rōšnīh <I> ān ī ātaxš ud a-sōzišnīh būd ciyōn anaYr rōšn <ud> abzōnīgīh ciyōn zamīg ī hu-bar.
- (63.4) u-š andar ān ī āsrō-kirpa dād <I> mardōm ī xwānīhēd; gētīg 3000 sāl.ka.nē. raft u-š.nē xward nē xuft u-š nē guft bē-š ahlāyīh mēnīd ī pāhlom dēn ī rāst ī abēzag stāyīšnīh ud kāmag ī dādār.
- (63.5) pas mihrōdruj ī kuxšīšngar az-iš wināhīd zīndagīh kard <I> grān margōmandīh xwānīhēd; Gayōmart ī wizārīhēd zīndagīh ī mīrāg.
- (63.6) az Gayōmart pad be widerīšnīh frāz tazīd šuhr ī zīndagīh, gōhr mad be ō zamīg ī spenāg-dād, pāyīhīd andar zamīg pad ān ī yazdān pādārīh, u-š hambūsthīst pus ud duxt <I> mardōm rust hēnd abar būm; windād ō junbišn <ud> rawišn mad hēnd be warz ham-gumēzišnīh ud zāyēnīdārīh.
- (63.7) az ān zamīg kū Gayōmart gyān be šud zarr ud az abārīg būm kū handām handām *awiš mad cand ēwēnag ayōxšustān ī brāzāg frāz tazīd guft estēd.

(۶۳.۱) شصت و سوم پرسش و پاسخ آن پرسید که: آفرینش نخستین مردمی از چه کرد؟ نیز بن تخمه مردمان چگونه بود؟ (۶۳.۲) از کیومرث چه کسی به [وجود] آمد، و چه بود، مشی و مشیانه از چه کسی بودند؟ (۶۳.۳) پاسخ اینکه: هر مزد همه - خدای (= فرمانروا بر همه چیز) از روشنی بی‌پایان پیکری از آتش آفرید که آفرینش آن متعلق به هر مزد و روشنی آن از آن آتش بود، و بدون سوزش همچون روشنی بیکران، و افزونی‌بخش همچون سرزمینی بارور بود. (۶۳.۴) او مردم را به پیکر آن آتش آفرید که "گیتی" (= موجود مادی) خوانده می‌شود. [او] سه هزار سال نرفت (= حرکت نکرد) و نخورد و نخفت و [چیزی] نگفت، اما به پارسایی اندیشید که بهترین دین راست و پاک و کام دادار را باید ستود. (۶۳.۵) آنگاه مهر دروج ستیزه‌گر (= اهریمن) زندگی او را تباه کرد، و او را بسی مرگمند کرد، [از این روی] "کیومرث" نامیده می‌شود و "زنده میرا" ترجمه می‌شود. (۶۳.۶) از کیومرث، نطفه زندگی به هنگام درگذشت او به بالا ریخت، و گوهر آن به زمین سپندارم رسید، و در زمین به وسیله آن نگهبانی ایزدی محافظت شد، و از آن، پسر و دختر انسان را آبتن شد، و [آنان] بر روی زمین رشد یافتند، سپس، جنبش و بینش را کسب کردند، و نیز به هم - آمیزی و زایش ورزیدن روی آوردند. (۶۳.۱) از آن زمین که جان کیومرث بشد، زر و از دیگر سرزمین‌ها که بخش‌های گوناگون اندام او در آن آمد، گفته شده که انواع فلزات درخشان فراز آمد.

۳. نتیجه‌گیری

درباره آفرینش نخستین انسان گزارش‌های متفاوتی در اساطیر ایران آمده است. برخی متعلق به اساطیر هندواروپایی‌اند مانند "منو" که در نام "منوچهر" جای دارد و پاره‌ای مربوط به اسطوره‌های هندوایرانی‌اند مانند "جم" و خواهرش "جمیگ". برخی دیگر نیز احتمالاً برگرفته از اسطوره غول نخستین‌اند مانند "گیومرث". موضوع نخستین انسان و چگونگی آفرینش آن همواره از مباحث فکری ملل و اقوام مختلف بوده و در باورها و اساطیر آنان بازتاب گسترده داشته است. در اساطیر ایرانی اگرچه گزارش‌های گوناگونی در طول تاریخ چندهزارساله آن مطرح شده اما در غالب متون فارسی میانه زردشتی این نسبت را به کیومرث داده‌اند. گاه چهره‌های دیگری نظیر منو، جم و جمیگ، مشی و مشیانه، هوشنگ و تهمورث نیز در این باره پیشنهاد شده‌اند. نام نخستین زوج انسانی در متون اوستای موجود نیامده شاید در بخش‌هایی از اوستای گمشده از آن یاد شده است چنانکه در دینکرد هشتم درباره چهارداد نسک/وستا اشاراتی به آن شده است (بهار ۱۸۰). باری بررسی گزارش‌های فارسی میانه زردشتی که معمولاً برگرفته از کتاب/وستا و سنت دین زردشتی است و کتابت آنها غالباً متعلق به اواخر عهد ساسانی و اوایل دوران اسلامی است کیومرث را به عنوان نخستین انسان معرفی کرده و مشی و مشیانه را از نطفه کیومرث دانسته‌اند. این موضوع در مروری به متون مزبور نشان می‌دهد که متفکرین و اسطوره‌پردازان ایرانی در اواخر عصر ساسانی در باره نخستین انسان و خاستگاه آن هم‌دادستان شده‌اند.

کتابنامه

- بهار، مهرداد، ۱۳۸۷، پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و دوم)، چاپ هفتم، تهران: نشر آگه.
- بهار، مهرداد، (نک. دادگی)
- دادگی، فرنیخ، ۱۳۶۹، بندهش، گزارنده: مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- دستنویس ک ۳۵، بخش نخست: روایات پهلوی ۱، دادستان دینیک، روایات پهلوی ۲، به کوشش دکتر ماهیار نوابی، انتشارات مؤسسه آسیایی.
- کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۷، نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
- روایات پهلوی، ترجمه و توضیحات فارسی مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Anklesaria, P.K., 1958, *A Critical Edition of the Unedited Portion of the Dādestān ī Dēnīg*, unpublished thesis, University of London.

Williams, A.W., *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī Dēnīg*, Part I & II, Copenhagen 1990.

